

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

◇ یادداشت سردبیر

عبارت "در جست‌وجوی هویت" عنوانی است متعلق به متنی انگلیسی که حاوی تعدادی مقاله کلیدی در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی است. البته عنوان مورد اشاره ربط مستقیمی به یکایک مقاله‌ها ندارد و از مطالعه سرجمع آنها نیز "جست‌وجوی" فرضی به "هویت" خاصی نمی‌انجامد. اما خود این عنوان انسان را به تأمل وامی‌دارد. رشته کتابداری از دیرباز در صدد یافتن هویتی مبین برای خود بوده است. خصلت چندرشته‌ای - یا به تعبیری رشته‌پسندتر، "بین رشته‌ای" - آن سبب شده است که بحرانهای رشته‌های متشکله یا رشته‌های همجوار آن، این حوزه را نیز گرفتار بحران کند.

کتابداری به عنوان رشته‌ای از گروه علوم اجتماعی، تب و تابها و افت و خیزهای علوم اجتماعی را - خصوصاً بعد از دهه ۱۹۶۰ میلادی - بر خود هموار کرده است. تمایل شدید علوم اجتماعی به احراز هویت علمی، از نوع علوم دقیقه، یا گرایش آن به نگرشهای پوزیتیویستی در تفسیرهای اجتماعی، پرتوهایی را نیز بر رشته کتابداری افکنده است. این جریان مادامی که در علوم اجتماعی دارای قدرت و شدت باشد، در رشته‌های وابسته به آن - از جمله کتابداری - نیز نفوذ خواهد داشت.

بحث از روانشناسی خواندن و روانشناسی دانستن سالیان متمادی در رشته کتابداری موضوع روز بوده است. عوامل یا موانع روانشناختی خواندن، نقش روانشناسی در قبول یا ردّ ذهنی خواننده‌ها، مباحثی چون روانشناسی ارتباط، فردی بودن جنبه‌های معناشناختی، و مطالبی از این دست، تحت تأثیر مطالعات محققان روس، خصوصاً شخص نیکلاس روباکین، وجه غالب مطالعات رشته کتابداری محسوب می‌شده است.

یافته‌های حوزه معرفت‌شناسی دیرزمانی به عنوان عنصری تعیین‌کننده در مطالعات و حتی خدمات رشته کتابداری جایگاهی ممتاز یافت. اینکه "انسان چگونه می‌داند آنچه را که می‌داند؟" یا به عبارت دیگر، رمز شکل‌گیری دانش انسان و تشکیل شناخت، محققان این رشته را نیز به

خود مشغول داشت؛ و نفوذ شخصیت علمی کسانی چون جس شرا - که خود از پیشگامان طرح این مسئله در رشته کتابداری بود - سبب شد که این بحث جایگاه والایی در مطالعات این رشته بیابد، و حتی وی در پژوهشی ماندگار، اصطلاح "معرفت شناسی اجتماعی" را نیز ابداع کرد و پرسش رایج حوزه معرفت شناسی را به صورت دیگری چنین مطرح ساخت که: "جامعه چگونه می داند آنچه را که می داند؟"

بعد از جنگ جهانی دوم که مقوله ارتباطات جایگاهی ویژه یافت، رشته کتابداری خود را ناگزیر دید که از نتایج پژوهشهای آن حوزه بهره گیرد؛ چه عناصری که برای انتقال پیام در هر فرایند ارتباطی حضوری فعال دارند در خدمات کتابداری نیز قابل تشخیص می نمود. به هر حال، فرستنده‌های و مجرای و گیرنده‌های و هدف و تأثیری که در جریان ارتباط مؤثرند، با همه گونه‌گونی آنها جزء جدایی ناپذیر حرکتها و مناسبات و معادلات حوزه کتابداری تلقی می شد. تأثیر مطالعات کسانی چون برلسون در حوزه تأثیر خواندن و احتمال دریافت پیام نویسنده کتاب توسط مخاطب پیش‌بینی شده یا نشده، و اساساً امکان منطقی انتقال معنی در جریان ارتباط، سالها در قلمرو کتابداری شاخص بوده است.

زبان‌شناسی به عنوان حوزه‌ای که موضوع بحث آن عنصر کلیدی حوزه ما یعنی لفظ و بیان، یا به عبارت کلیتر نماد ناظر بر معنی و محتواست، تأثیری عمده بر خطه کتابداری داشته است. بحث از زبان طبیعی و زبان کنترل شده، ایجاد رابطه میان دو دستگاه زبانی - دستگاه زبانی استفاده کننده و دستگاه زبانی نظام کتابخانه - با استفاده از نظام میانجی مشترک، توانایی نزدیک کردن این دو به یکدیگر به قصد ارائه اطلاعات مورد نظر و نیاز، همگی در چارچوب کلی حوزه زبان‌شناسی قابل طرح است؛ و طبعاً یافته‌های زبان‌شناسی سهمی عمده در میزان توانایی ایجاد رابطه معنایی و درک و دریافت مفاهیم از طریق رویارویی با محمل‌های مختلف اطلاع‌رسانی بر عهده داشته است.

حضور، یا در واقع یگانه‌سازی تکنولوژی نوین اطلاع‌رسانی در دهه‌های اخیر، باب بحثهای دیگری را در این رشته گشوده است. مباحثی چون جامعیت و مانعیت، پدیدار شدن عاداتهای جدید ارتباطی، قدرت چندرسانه‌ایها در انتقال بالنسبه مطلوب پیام، بالارفتن سطح توقع و انتظار از سرعت و دقت و بهنگام بودن آنچه دریافت می شود، و سازوکار نظامهای هوشمند تحولی در نگرش سنتی نسبت به کتاب و کتابداری و کتابخوانی پدید آورده است.

از آنجایی که هر یک از رشته‌های مورد اشاره هویتی مستقل دارد و عرصه‌ای است که نمی‌توان بدون احراز تخصص مربوط، به حریم مطالعات آنها وارد شد؛ رشته کتابداری که ناگزیر از بهره‌مندی از رهاوردهای آن حوزه‌هاست؛ ظاهراً دستخوش چگونگی حاصل مطالعات آنهاست. به تعبیر دیگر، قوت یا ضعف، سرعت یا کندی، اعتبار یا کم‌اعتباری یافته‌های آن

حوزه‌ها می‌تواند وجه نظر مرتبط با هر یک از آنها را در رشته کتابداری دستخوش قوت یا ضعف، سرعت یا کندی، و اعتبار یا کم‌اعتباری کند.

بنابراین، بحران در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی عمدتاً ناشی از بحران در رشته‌هایی است که یافته‌های ایشان در عملکرد این حوزه دخیل است؛ و از آنجایی که هیچ‌یک از حوزه‌های یاد شده - علی‌رغم کامیابی‌های قابل‌اعتنا - هنوز پاسخی مقبول برای بسیاری از مسائل متنوع و متعدّد خود نیافته است، رشته کتابداری با انبوهی از پرسشهای بدون پاسخ که با همان وضع به این رشته وارد شده روبه‌روست؛ و هرچه تعداد این رشته‌های همجوار یا مرتبط فزونی یابد، مسائل پاسخ نیافته بیشتری نیز بر مجموعه پیشین افزوده خواهد شد، و در نتیجه، بحران شدت بیشتری خواهد یافت.

چاره چیست؟ برای رهایی از این بحران، دست‌کم به‌طور نسبی، یکی از دو راه محتمل به نظر می‌رسد: (۱) اعلام بی‌نیازی نسبت به رشته‌های مرتبط و همجوار، (۲) حلّ مسائل وارد شده به این حوزه در حدّ رفع نیازهای موجود. راه نخست منطقاً پذیرفتنی نیست. زیرا آنچه در عرصه علم امروز روی می‌دهد حاکی از وابستگی هر چه بیشتر رشته‌ها به یکدیگر است، به‌گونه‌ای که به‌ندرت می‌توان رشته‌ای علمی را یافت که برای حلّ مسائل خود نیازمند چندین حوزه علمی دیگر نباشد. زیستن در جزیره رشته خویش در عصری که دیوارها فرو می‌ریزند و مرزها معنای خود را از دست می‌دهند، بیشتر به نوعی خیالپردازی می‌ماند. اما راه دوم به نظر اجتناب‌ناپذیر می‌رسد. رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، در عین استفاده مستمر از یافته‌های حوزه‌های مرتبط، نمی‌تواند فعالیت‌های جاری خود را متوقف یافتن پاسخهای محتمل آن حوزه‌ها کند، خصوصاً که چشم‌انداز روشنی نیز برای دستیابی به پاسخهای مطلوب یا دست‌کم قانع‌کننده قابل‌ترسیم نیست.

رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، نظیر هر رشته علمی دیگر، ناگزیر است یافته‌های سایر حوزه‌ها را اخذ کند، آنها را در هاضمه تخصص و تدبیر خود بگوارد، و بخشی را بنا بر توان و نیاز اندام حرفه‌ای خود جذب کند. فرایند این هضم و جذب طبعاً به زوائدی نیز می‌انجامد، که بخشی ناشی از رهاوردهای ناپخته حوزه‌های دیگر است و رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی سهمی در ساخت و ساز آن ندارد، و بخشی ممکن است ناشی از ضعف دستگاه گوارش این حرفه باشد که باید در تقویت آن کوشید تا زوائدی از این دست در کمترین حدّ خود بماند. چنین امری جز از طریق بازنگری همه‌جانبه و تحولی جدی در برنامه‌های آموزشی و تربیت نیروی انسانی این رشته تحقّق نخواهد یافت، که البته خود مقال و مجالی دیگر می‌طلبد.